

# شبه قاره چشم به راه تحقیق و احیای متون فارسی



جناب آقای دکتر اکبر ثبوت از محققان برجسته حوزه نسخ خطی و فعال در شبه قاره، در روز دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۸۲ در ششمین نشست پژوهشی مرکز نشر میراث مکتوب حضور یافته و به ایراد سخنرانی با موضوع «احیاء متون و پژوهش متن شناسی با شبه قاره» پرداختند که خلاصه‌ای از متن سخنرانی ایشان به شرح زیر می‌آید.

«... همچنین در اواخر سده ۱۲ هـ میرمحمد اعظم نام نسخه‌ای از دیوان حافظ را کتابت کرده و فرهنگی از لغات و اصطلاحات آن تدوین نموده و در آغاز آن می‌نویسد: دیوان حافظ با مقدمه و فرهنگ که هر لفظ به نظر صحت چند مرتبه درآمده یا شاید بهتر باشد این جوری بخوانیم که هر لفظ، چند مرتبه به نظر صحت درآمده و از چند شروع تغییر معانی دقیق و ضمائر به نوک قلم آمد. نیز در سده ۱۳ هجری بلندخان فرزند احمدخان که نسخه‌ای از شاهنامه را کتابت کرده نام و نشانی ۱۲ نسخه را که برای مقابله و تهیه نسخه مصحح از آنها کمک گرفته آورده و فهرستی هم برای نسخه خود تنظیم و به آن ضمیمه کرده است. پس از رواج صنعت چاپ نیز نخستین کتاب‌هایی که به صورت محققانه تصحیح و طبع شد همان‌ها بود که در هند انتشار یافت. به عنوان مثال نخستین چاپ دیوان حافظ با مقابله ۱۲ نسخه خطی به وسیله میرزا ابوطالب تبریزی در سال‌های ۱۲۰۰-۱۲۰۶ هـ. ق. در کلکته انجام گرفت و یکی از بهترین‌های

آقای ثبوت در ابتدا درخصوص تاریخچه متون فارسی در شبه قاره اظهار داشتند: «... متون فارسی و نیز آثار عربی علمای ایران در طول بیش از هزار سال در شبه قاره رواجی گسترده داشته و به طبع این امر پیشینه تحقیق و تصحیح متون و آثار مزبور نیز در آن سرزمین پهناور از صدها سال فراتر می‌رود و آغاز آن به قرن‌ها پیش از رواج صنعت چاپ به مشرق زمین و به دوران رواج نسخه‌های خطی می‌رسد چنانکه به گزارش استاد منزوی، عبداللطیف عباسی گجراتی در سده ۱۱ هجری نسخه‌ای از مثنوی را با مقابله ۸۰ نسخه و بلکه بیشتر فراهم آورد و دیباچه‌ای بر آن نوشت و نسخه خود را نسخه مثنویات ثقیه و مثبت و مروج نسخ صحیح خواند و نیز به گزارش ایشان شاه میرمحمد نورالله اهدایی دهلوی متوفی ۱۰۷۳ هجری و صدر ثوبه شاه جهان‌آباد در عصر اورنگ و از شارحان متون فارسی، اقداماتی را که برای تصحیح گلستان و تحقیق در این کتاب کرده در مقدمه شرح خود بر آن توضیح داده است.»

متون فارسی و نیز آثار عربی علمای ایران در طول بیش از هزار سال در شبه قاره رواجی گسترده داشته و به طبع این امر پیشینه تحقیق و تصحیح متون و آثار مزبور نیز در آن سرزمین پهناور از صدها سال فراتر می‌رود و آغاز آن به قرن‌ها پیش از رواج صنعت چاپ به مشرق زمین و به دوران رواج نسخه‌های خطی می‌رسد چنانکه به گزارش استاد منزوی، عبداللطیف عباسی گجراتی در سده ۱۱ هجری نسخه‌ای از مثنوی را با مقابله ۸۰ نسخه و بلکه بیشتر فراهم آورد و دیباچه‌ای بر آن نوشت و نسخه خود را نسخه مثنویات ثقیه و مثبت و مروج نسخ صحیح خواند



فرهنگ این کشور پس از استقلال نام‌گذاری شده است. حکومت تنک در سال ۱۸۱۷ م به دست نواب محمدمین خان بهادر بنیاد نهاده شد که افراد زیادی از رجال دین و علما و صوفیان و قاریان و معلمان در خدمت او بودند و از جمله اقدامات او تأسیس مجامع علمی و ادارات مختلف برای نشر علم بود. پس از او فرزندش محمد وزیرخان راه او را دنبال کرد و یک کتابخانه رسمی در تنک بنیاد نهاد که پس از وفات او کتابخانه وزیری نامیده شد و بیش از یک قرن بعد به پیشنهاد ابوالکلام آزاد خریداری و به موزه ملی هند سپرده شد. پس از محمد وزیرخان فرزندش نواب محمدهلی خان نیز کتابخانه‌ای بزرگ تأسیس کرد و هنگام هجرت به بنارس آن را به همراه خود برد و در آنجا مستقر نمود. پس از وی پسرش کتابخانه پدر را به تنک بازگرداند و به صورتی درآورد که همه کتاب‌خوانان و اهل تحقیق بتوانند استفاده کنند و شماری دیگر از کتابخانه‌های دیگر را هم که در تنک بود ضمیمه آن کرد تا گسترشی چشم‌گیر یافت و علما و پژوهشگران برای

چاپ‌های قدیم مثنوی مولوی نیز همان است که صدواند سال پیش در شش هفت مجلد در شهر کامپور با کوشش‌های مولانا احمد حسن کامپوری و به اشارت مرشد او حاجی امدادالله مهاجر مکی، مدرس مثنوی در بیت‌الحرام انجام گرفت و در حواشی آن نیز گزیده‌هایی از قبیل بیست شرح مثنوی درج گردیده...» جناب آقای ثبوت در ادامه در مورد فعالیت‌های حال حاضر متن پژوهشی فارسی در هند اظهار داشتند: «گفت‌وگو در باب تحقیق و تصحیح متون فارسی در شبه قاره و مراکز و شخصیت‌های هندی که به توسعه این امر کمک کرده‌اند نیازمند تألیف کتابی جداگانه است و ما در این مجال تنگ به توضیحاتی پیرامون دو نمونه از این مراکز و برخی از شخصیت‌های وابسته به آن دو بسنده می‌کنیم: الف) مؤسسه تحقیقاتی ابوالکلام آزاد: از مهم‌ترین مراکز تحقیق در معارف فارسی و عربی در هند مؤسسه‌ای است در ایالت راجستان در شمال غربی هند در شهر تنک که به نام مولانا ابوالکلام آزاد از رهبران آزادی هند و نخستین وزیر

**گفت‌وگو در باب تحقیق و تصحیح متون  
فارسی در شبه قاره و مراکز و  
شخصیت‌های هندی که به توسعه این امر  
کمک کرده‌اند نیازمند تألیف کتابی جداگانه  
است و ما در این مجال تنگ به  
توضیحاتی پیرامون دو نمونه از این مراکز  
و برخی از شخصیت‌های وابسته به آن دو  
بسند می‌کنیم: الف) مؤسسه تحقیقاتی  
ابوالکلام آزاد ب) بخش فارسی دانشگاه  
دهلی**



کارهای تحقیقاتی ۴. انتشار مجلات علمی و چاپ و نشر کتاب‌های مهم و ترجمه‌های آنها و تنظیم و شرح آنها و دعوت از پژوهشگران و دانشوران و استادان برای شرکت در گردهم‌آیی‌های فرهنگی ۵. تأسیس مرکزی برای آموزش خط فارسی و اردو و نیز تعلیم اصول تحقیق و شیوه‌های پژوهش در شرق اسلامی ۶. دست یابی به نسخه‌های خطی و نسخه‌برداری از روی آنها و تهیه میکروفیلم از نسخه‌های مورد نیاز ۷. اعطای جوایز به پژوهشگران...

ب) بخش فارسی دانشگاه دهلی: به موازات تأسیس دانشگاه دهلی در سال ۱۹۲۲ م بخش فارسی آن نیز دایر گردید. ولی تا سال‌ها بعد بخش فارسی بخش مستقلی نبود. پس از استقلال بخش فارسی، در کنار برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی اقداماتی هم در جهت تحقیق و تصحیح متون فارسی انجام گرفت و این اقدامات از هنگامی که آقای دکتر عابدی به عنوان نخستین استادیار بخش فارسی دانشگاه منصوب شد به صورتی بسیار جدی‌تر درآمد. دکتر عابدی که تحصیلات عالی خود را در ایران و در محضر استادان دانشگاه تهران به انجام رسانید، پس از مهاجرت به هندو اشتغال در دانشگاه دهلی، نقش مهمی در توسعه تحقیق در ادبیات فارسی ایفا کرد و برای تدوین یک دوره کامل تاریخ ادبیات فارسی در هند، عنوان رساله‌های دانشجویان دوره دکترا را از ادوار مختلف ادب فارسی در هند برگزید و در نتیجه کوشش‌های او و با راهنمایی او و شاگردان او تقریباً ۳۰ رساله دکترا و ۲۵ رساله پیش دکترا تألیف شد که در هریک از آنها وضعیت فرهنگ فارسی در هند در منطقه‌ای خاص و مقطعی خاص از تاریخ یا در آثار یکی از ادیبان به بحث نهاده می‌شود...

... بخش فارسی دانشگاه دهلی علاوه بر نقشی که از طریق رساله‌های دکترا و پیش دکترا در توسعه تحقیق در ادبیات فارسی و تصحیح متون فارسی داشته، از راه‌های دیگر نیز در جهت تحقق این

استفاده از منابع آن به تنگ شتافتند و محمود حسن خان تنکی که از علمای نامی بود، کتاب عظیم معجم‌المصنفین را در همین کتابخانه تألیف کرد. در سال ۱۹۳۰ نواب سعادت علی خان به حکومت این ناحیه رسید و کتابخانه‌ای را که از پدران خود به ارث برده بود از صورت ملک شخصی به صورت یک کتابخانه رسمی در آورد. این کتابخانه پس از چند سال در اختیار اداره تعلیم و تربیت منطقه قرار گرفت و به دنبال اعلام استقلال هند، ابوالکلام آزاد که خود از سابق این کتابخانه را می‌شناخت و از آن بهره‌ها برده بود، طراحی بزرگ برای تنظیم فهرست مخطوطات آن تهیه و برای مسئول کتابخانه فرستاد و خود در سال ۱۹۵۱ م سیدمحمد عمران خان را برای این کار برگزید. در سال ۱۹۶۱ م دولت ایالتی مؤسسه‌ای برای پژوهش‌های علوم شرقی تأسیس کرد و تمام کتابخانه‌های تابعه خود را موظف نمود که همه کتاب‌های خطی را به شعبه‌های آن مؤسسه تحویل دهند. پس کتاب‌های خطی عربی و فارسی که در کتابخانه‌ها و موزه‌ها و ادارات وابسته به دولت مزبور بود، به تنگ و به همان مؤسسه انتقال یافت و مؤسسه در تحت سرپرستی صاحب‌زاده شوکت علی خان قرار گرفت و با کوشش‌های او و همکاری علما و پژوهشگران به صورت زیادی مستقل درآمد و از مهم‌ترین مراکز گردید که در هند به پژوهش‌های مربوط به معارف فارسی و عربی می‌پردازند. در این مؤسسه هزاران نسخه خطی در فنون مختلف به زبان‌های عربی و فارسی وارد و فراهم آمده که از جمله آن‌ها نسخه کامل قرآن مذهب در ۳۰ ورق به خط یاقوت رقم است که گویند شاه جهان، امپراتور هند، هم وزن کاتب به وی طلا بخشید.

اهداف این مؤسسه عبارت است از: ۱- حفظ منابع فارسی و عربی و نگهداری آن به صورت میراث ملی هند ۲. پیشبرد تحقیقات فارسی و عربی ۳. تأمین تسهیلات برای پژوهشگران و کمک به آنان در



بخش فارسی دانشگاه  
دهلی علاوه بر نقشی که از  
طریق رساله‌های دکترا و  
پیش دکترا در توسعه  
تحقیق در ادبیات فارسی و  
تصحیح متون فارسی  
داشته، از راه‌های دیگر نیز  
در جهت تحقق این هدف  
گام برداشته است

هدف گام برداشته است، از جمله:

۱- برگزاری سمینارهای متعدد برای ارائه مقالات تحقیقی، از جمله سمینار هفت روزه‌ای در فوریه ۱۹۹۰ م. تحت عنوان «روش تحقیق در ادبیات فارسی» و سمینار سه روزه‌ای در دسامبر ۹۶ برای ارائه پژوهش‌ها در باب «تحول زبان و ادبیات فارسی در هند و نفوذ فارسی در فرهنگ و و هنرهای هند.»

۲- انتشار کتاب‌ها و مقالات تحقیقی فارسی، از جمله کتاب «تحفة‌الهند» به تصحیح مرحوم دکتر نورالحسن انصاری. همچنین مجله تحقیقات فارسی که تاکنون هفده، هجده شماره از آن منتشر شده و مشتمل بر مقالات تحقیقی استادان هند در زمینه‌های مربوط به ادب فارسی است...

... می‌دانیم که بخشی معتناهی از آثار فارسی که در سده‌های گذشته در هند پدید آمده، همان‌هاست که به قصد معرفی ادبیات هند باستان و عرضه قصص و اساطیر آن و فرهنگ و معارف هندوی تألیف و ترجمه شده است. این آثار به یک اعتبار، یعنی از لحاظ زبانی، قسمتی از سرمایه فرهنگی ایرانیان است و به اعتباری دیگر، بخشی از میراث فرهنگی هند اسلامی و غیراسلامی است؛ اسلامی به لحاظ زبان و دوره‌ای که در آن پدید آمده‌اند و غیراسلامی از حیث محتوای آنها که الهام گرفته از فرهنگ و حکمت هند غیراسلامی است. هر یک از این آثار سندی استوار است بر پیشینه دیرینه گفت‌وگوی فرهنگ‌ها در میان دو ملت بزرگ ایران و هند و کسی که در عصر ما بیشترین تلاش را برای عرضه و انتشار آنها به صورت مصحح و منقح به خرج داد، استاد عابدی است...

... دانشمند نامی دیگری که در دانشگاه دهلی در توسعه پژوهش در ادبیات فارسی نقشی بسیار مؤثر داشت، فقید نورالحسن

انصاری بود. وی در عمر نه‌چندان طولانی خود، علاوه بر کوشش‌هایی که در مقام تدریس و پرورش شاگردان و به عنوان یک استاد به خرج داد، بنیانگذار انجمن استادان فارسی سراسر هند بود که در مدتی نزدیک به ۱۰ سال اقدامات فراوانی برای گسترش پژوهش در صحنه ادب فارسی در هند انجام داد و خود از آغاز تأسیس این انجمن تا هنگام درگذشت، دبیرکل انتخابی آن بود و از سال ۱۹۸۱ تا ۸۴ و سپس از ۱۹۷۸ تا وقتی که گذشت، ریاست بخش فارسی دانشگاه دهلی را برعهده داشت و کتاب‌های زیادی تألیف یا ترجمه یا تصحیح کرد. از آن میان: ۱- ادبیات فارسی در دوره عریضی ۲- تصحیح کتاب مآثر محمود شاهی، تألیف شهاب کرمانی با مقدمه‌ای بر آن ۳- ترجمه کتاب داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی ۴- تصحیح کتاب فارسی تحفة‌الهند که با مقدمه و تعلیقات مصحح در سال ۱۹۷۵ میلادی در تهران و در سال ۱۹۸۲ در دهلی چاپ شده است. ۵- ترجمه کتابی در تاریخ تألیف نعمت خان عالی شیرازی که با مقدمه و تعلیقات مترجم در دهلی چاپ شده است. ۶- احوال و آثار امیرخسرو ۷- ترجمه انگلیسی کتاب تاریخ زبان فارسی تألیف مرحوم دکتر خانلری ۸- تصحیح متن کتاب مرقع دهلی همراه با مقدمه و ترجمه.

همین جا سخن را درز بگیرم به امید اینکه این جستار کوتاه و نارسا مقدمه‌ای و محرکی باشد برای پژوهش‌های گسترده‌ای که باید در باب تحقیق و تصحیح متون در شبه قاره انجام بگیرد. با تشکر از همه استادان و دوستان به دلیل حوصله‌ای که برای شنیدن این گفتار به خرج دادند و با پوزش از نارسایی‌های آن.

شب رفت و حدیث ما به پایان نرسید

شب را چه گنه قصه ما بود دراز